



رئیس سازمان محیط‌زیست در نشست خبری:

تخصصی در مسائل زیست‌محیطی ندارم

صفحه ۴

VATAN-E-EMROOZ ■ Vol.09 ■ No.2250 ■ Tue.Sep.05, 2017 ■ ISSN:2008-2886

۱۱۷۸ سال و ۲۷۱ روز گذشت

روزنامه صبح ایران



محسن رضایی:

عربستان باید از ایران عذرخواهی کند

صفحه ۲



سه‌شنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۶ ■ ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۳۸ ■ ۵ سپتامبر ۲۰۱۷ ■ سال نهم ■ شماره ۲۲۵۰ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

تیتراهای امروز

واکنش نمایندگان مجلس به تلاش آمریکا برای بازرسی آژانس از مراکز نظامی ایران

بازرسی ممنوع!



صفحه ۲

«وطن امروز» از تبعات پخشنامه عدم الزام درج نرخ روی کالا گزارش می‌دهد

آشوب قیمت‌ها با ابلاغیه جدید

صفحه ۳

شگفتی وزیر صنعت، معدن و تجارت از آشفته‌بازار پوشاک:

بازار رامفت و مجانی به خارجی‌ها دادیم

صفحه ۱۶

گزارش «وطن امروز» از مستندمسابقه‌های سیما به بهانه آغاز بخش مجموعه «ضدگلوله»

یک نمایش واقعی!

صفحه ۱۲

خبر

ادعای عجیب وزیر جدید اقتصاد:

رکود تورمی جای خود را به رونق غیر تورمی داده است!

گروه اقتصادی: وزیر جدید اقتصاد در اظهارنظری عجیب اعلام کرد در حال حاضر رکود تورمی جای خود را به رونق غیر تورمی داده است! به گزارش «وطن‌امروز»، مسعود کرباسیان در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، گفت: اکنون نه از آن تحریم‌های ظالمانه اقتصادی که به بهانه دسترسی‌ی ایران به فناوری هسته‌ای بر مردم بزرگوار ایران تحمیل شده بود خبر و اثری هست و نه از آن بحران بزرگ رکود تورمی بافت ۷/۷ درصدی تولید کشور در سال ۹۱ و تورم ۴۰ درصدی در سال ۹۲؛ امروز، رکود تورمی جای خود را به رونق غیر تورمی داده است. اقتصاد ایران در سال ۹۵ موفق شد بعد از ۲۶ سال به تورم تک‌رقمی تثبیت شده برسد و آمارها حاکی از آن است که رشد اقتصادی نزدیک به ۸ درصد را در سال گذشته تجربه کرده است. بازارهای اقتصادی در شروع کار دولت یازدهم با بی‌ثباتی و نوسانات شدید مواجه بودند و این شرایط موجب شده بود فضای عمومی سرمایه‌گذاری با ناطمینانی بالای مواجه باشد. نرخ تورم نقطه به نقطه در سال ۹۲ به بیش از ۴۵ درصد و نرخ تورم متوسط سالانه در همان سال به بیش از ۴۰ درصد رسیده بود. بازار ارز نیز نوسانات شدیدی را تجربه کرده بود. متوسط نرخ ارز در بازار آزاد در سال ۹۱ نسبت به سال قبل حدود ۹۲ درصد افزایش یافته بود. این اجمالی بود از آنچه بر اقتصاد ایران رفت و آنچه دولت تدبیر و امید انجام داد تا اقتصاد ملی ما به ریل درست برگشته و امکان رشد را دوباره باز یابد. کرباسیان در ادامه درباره مشی خود برای مدیریت اقتصاد ایران در دولت دوازدهم و برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته به این منظور گفت: خوشبختانه در اقتصاد ایران برنامه‌های بالادستی وجود دارد که هدف‌گذاری و مسیر حرکت را مشخص کرده است. اظهارات کرباسیان درباره رونق اقتصادی و حذف شدن تحریم‌ها در حالی است که کارشناسان اعتقاد دارند هنوز اقتصاد با رکود دست و پنجه نرم می‌کند و آمریکا تحریم‌ها علیه ایران را تشدید کرده است.

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۳۳۱

ارتقای نجومی برابر ترها!

■ صادق فرامرزی

نگاه‌امروز

نسبت عدالت و برابری با وضع موجود نسبت بودن همه شهروندان و «برابرت» بودن برخی از آنها بیشتر دیده و شنیده می‌شود؛ دیگر کمتر روزی را می‌توان پیدا کرد که خبری از مدیر، رئیس، عضو هیات‌مدیره و ... شدن آقازاده‌هایی که بعضاً متولد دهه ۷۰ هستند در میان رسانه‌ها ردوبدل نشود، خبرهایی که ابتدا یک خطی‌اند اما به فاصله چند روز و پس از پاسخگویی‌های عجیب پدران‌شان تبدیل به گزارش‌هایی مبسوط می‌شوند. رئیس شوراییعالی سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان در دفاع از نظریه «خون به فرزندی» دلیل می‌آورد که «او همیشه در آزمون‌ها و امتحانات شاگرد اول می‌شده»، نماینده دیگری از مجلس در پاسخ به خبر احتمال شهردار شدن فرزندش می‌گوید فرزندش را از این کار نمی‌کرده، چرا که حد و اندازه آقازاده بیشتر از شهرداری فلان شهر کوچک است، فرزندی که از نظر آن وزارت‌خانه انتقاداتش می‌خواهد و پس از افضای این مساله آن شرکت را یک شرکت صرفاً کاغذی وصف می‌کند.

زنجیره موارد بالا را می‌توان با نگاهی به اخبار منتشره همچنان ادامه داد و لیست طولی از آقازاده‌هایی را که ارتقای نجومی یافته‌اند به نگارش درآورد اما اشاره به همین چند مورد کافی بود تا نگاهی جدید به پدیده «پدر و فرزندی» سیاست ایران ببندازیم. پسرهایی که از برکت ژن خوب و دخترهایی که از میوه سفره انقلاب بهره برداند تا در سنین جوانی و بدون طی هیچ راه آموزشی و تجربی خاصی یک شبه ره صدساله را طی کنند. جوانانی که این روزها موفق شده‌اند دید جامعه را نسبت به مفهوم آقازاده نیز تغییر دهند! چرا که اگر در چند دهه اخیر جامعه با لفظ آقازاده یاد جوانانی با ظواهر نامتعارف در حال خوشگذرانی با ثروت‌های بادآورده پدران می‌افتاد، حالا تصورش از این قشر، جوانان ظاهرصلاح کت و شلوار به تن کرده‌ای است که پشت میز هیات‌مدیره شرکت‌های دولتی و خصولتی جا خوش کرده‌اند.

برابرتر بودن آقازاده‌هایی که ارتقای نجومی‌شان اگر اهمیت و تأثیری بیشتری از حقوق‌های نجومی نداشته باشد قطعاً اثرش کمتر نیست، نه محصول یک شب و دو شب بوده و نه ثمره این مسؤول و آن مقام؛ آنچه ارتقای نجومی این ژن‌های برتر را تبدیل به مساله‌ای ملموس کرده نه جدید بودن این روال بلکه وجود شبکه اطلاع‌رسانی گسترده‌ای است که از گوشه و کنار هر موسسه و وزارتخانه و نهادهی افکار عمومی را آگاه از مناسبات موجود کرده است، بنابراین سوال اصلی قبل از یافتن خط و ربط این شبکه‌های موجود خانوادگی علت شکل‌گیری این پدیده و مهم‌تر از آن چرایی قبح‌شکنی آن به گونه‌ای است که به یک سیاستمدار عالی‌رتبه این اجازه را می‌دهد که از ژن برتر فرزندش دفاع کند یا زبان آقازاده دیگر را باز می‌گذارد تا هر اعتراضی به حاکمیت آقازادگان را منسوب به «گاو» بودن منتقدانش کند. در این باب نظر به چند نکته لازم و ضروری است:

ادامه در صفحه ۵

بی‌برنامه در جهت نظم حاکم جهانی!

■ امیراستکی

کنار فروکاستن مسائل و معضلات و چالش‌های کشور به یک، دو و سه مورد کلی باعث شده است برنامه‌ریزی در این شرایط بلاوجه و کم‌فایده و در نهایت یک «چی» دگوری باشد. این فقدان اجماع بر سرخواسته‌های جمعی در اکثریت قریب به اتفاق موارد تنش‌های سیاسی کشور حضور چشمگیری دارد و از طرف دیگر همانطور که گفتیم برنامه‌ریزی و داشتن نگاه بلندمدت به اداره کشور رانیز تا حدود زیادی از دور تأثیرگذاری خارج کرده است. به عینه و با توجه به آنچه از عملکرد سال به سال متفاوت دولت تدبیر و امید در ۴ سال گذشته می‌بینیم باید اذعان کنیم برنامه اصلی تیم جناب روحانی تمشیت صرف امور کشور است با همان کم و کیفی که در همه سال‌های گذشته انجام می‌شده است، بر اساس یک طرح بسیار ساده در طرف منابع که فقط بر مدار نفت یا به شکل کلی‌تر منابع درآمدی غیرالزام‌آور استوار است. طرف مصارف هم که به شرایط روز و در پیش بودن یا نبودن انتخابات‌ها و تب و تاب‌های رسانه‌ای وابسته شده است. البته نباید از نظر دور داشت که خود این ساده‌سازی امور و سراسر کردن حکومتاری در قالب یک طرح کلان در حال پیگیری است. طرح نانوشته‌ای که از یک اجماع تلویحی در میان شمار زیادی از نخبگان همواره مقیم در حکومت و قدرت خبر می‌دهد.

طرحی که نهایت آن زردون پیرایه‌های ارزشی و انقلابی از جمهوری اسلامی و تبدیل کردن آن به یک «جمهوری اسلامی صرف» است. جمهوری اسلامی بودن آن هم از این رو موضوعیت دارد که هویت نخبگان مذکور به آن وابسته است و اگر قرار بر تغییر آن باشد لاجرم باید این خیل بیشمار به کناری بنشینند و چون تمام ماجرا این است که به هر نحوی آنها از سر سفره پرنعمت قدرت به کناری ننشینند، پس در تحلیل نهایی باید یک کشور شبیه حاشیه‌نشینان خلیج فارس و در هماهنگی کلی با نظم حاکم بر جهان از انقلاب اسلامی سال ۵۷ بر جای بماند.

ادامه در صفحه ۵

به قیمت فوب خلیج‌فارس نزدیک می‌شود، رگ‌های بیرون زده برای افزایش قیمت بنزین آرام می‌شوند و مساله تا التهاب بعدی بازار نفت به حال خود رها می‌شود و تلاش‌ها روی بهربرداری سیاسی از این عدم افزایش قیمت در کارزارهای انتخاباتی متمرکز می‌شود. اما بیکاری روز به روز در حال افزایش است و از طرف دیگر رکود سنگین اکثر بخش‌های اقتصاد ایران مانع آن است که تصویر روشنی از آینده نزدیک اشتغال در کشور داشته باشیم. از طرف دیگر دولت به خاطر فضایی که در آن با اقبال مردم روبه‌رو شد به دنبال کاستن نرخ تورم است و این خود طبیعتاً رکود را تقویت می‌کند و برای خروج از آن چاره ممیز و قابل احصائی در اندیشه دولتمردان جز یک نمایش مضر در قالب طرح کارورزی و از آن بدتر امیدوار نشستن برای ورود سرمایه خارجی بزرگ‌مقیاس وجود ندارد. سرمایه‌ای که ورودش به پس از بجام حواله داده شد و پس از بجام هم جز وام‌های ارزی ترکمانچای گونه و انگونه که از شواهد بزرگ‌مقیاس وجود ندارد. سرمایه‌ای که ورودش به پس از بجام حواله داده شد و پس از بجام هم جز وام‌های ارزی ترکمانچای گونه و انگونه که از شواهد بزرگ‌مقیاس وجود ندارد. سرمایه‌ای که ورودش به پس از بجام حواله داده شد و پس از بجام هم جز

اما همه این تناقضات و عملکردهای باری به هر جهت در درون یک برنامه کلی‌تر برای دولتمردان کنونی موجه به نظر می‌رسد؛ برنامه کلی‌تری که حاصل سردرگمی و عدم اجماع در بسیاری مسائل جز مساله بقاست. اینها یعنی اینکه کسانی که اکنون در دولت قرار دارند و جز دوره‌های نهم و دهم ریاست‌جمهوری در مابقی سال‌های پس از انقلاب هم در راس امور اجرایی کشور حضور داشته‌اند، هنوز یک تصویر جامع و کامل از آمال و خواسته‌های جمعی ملت و همچنین چالش‌های پیش‌روی کشور و در نهایت آنچه باید انجام شود، ندارند. همین فقدان ملموس ضرورت‌های مشترک و عدم اجماع روی ضرورت‌های کشورداری در

«از این ستون به آن ستون» و بگذارید این فرج است» و بگذارید این چند روز و چند ماه را از سر بگذرانیم بعد دوباره تصمیمی درخور شرایط خواهیم گرفت. این جز در یک مورد استثنایی که در ادامه توضیح خواهیم داد، مهم‌ترین خط‌مشی و راهبرد دولت جناب روحانی است. دولتی که حتی زحمت نوشتن برنامه ششم توسعه را به خود نداده است و در این زمینه یک گام از دولت‌های پیش‌تر از خود نیز عقب‌تر رفته است. دولت‌های قبل برنامه‌ای را که خود ننوشته بودند به اکرار عملیاتی می‌کردند و همه کم و کیف ایده‌های‌شان را در برنامه‌ای که در دوران خودشان تنظیم می‌شد وارد می‌کردند ولی دولت جناب روحانی حتی به این هم معتقد نیست و گویی مدیریت کشور را در جزیره‌های خودمختار و بعضاً متناقض از هم تعریف می‌کند. دولت تدبیر و امید در ۴ سال گذشته نشان داد سقف نگاه آن برای طرح‌ریزی، در نهایت یک‌ساله خواهد بود. دولتی که در سال‌های ابتدای کارش به انقباض بودجه‌های حمایتی روی آورده بود، به یکباره و در یک چرخش آشکار در استانه انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم، بودجه‌های حمایتی‌اش را افزایش می‌دهد و در حالی که در سال‌های پیش از پرداخت یارانه به ملت، ناراحت و نالان و به دنبال حذف یارانه‌بگیران بود، در سال منتهی به انتخابات بارانه اقبال تحت حمایت ارگان‌های حمایتی کشور را ۳ برابر و یارانه‌های سابقاً قطع شده را وصل کرد. دولت تدبیر و امید بر خلاف تمام زست‌هایی که نخبگان حاضر در آن می‌گیرند دولتی با نگاه بسیار دقیق به اقتضات آنی و تب‌های سیاسی و اجتماعی است.

در فصل‌های خشک سال و با هجوم ریزگردها به جنوب و جنوب غرب کشور به یکباره مساله احیای تالاب‌ها و دریاچه‌ها نقل محافل می‌شود و مدیران دولتی به دنبال حل مساله می‌افتند و قانونگذاران هم به دنبال وضع قوانین مورد نیاز آنها. کمی بعد که تب رسانه‌ای داستان فرو نشست طرح‌ها و ایده‌ها و قوانین تا فصل خشک بعدی و تب رسانه‌ای بعدی به پارکینگ منتقل می‌شود. قیمت نفت که کمی بالا می‌رود، مسؤولان وزارت نفت و شرکت پالایش و پخش فراورده‌های نفتی شروع به سخن گفتن از یارانه بالای بنزین و گازوئیل داخلی می‌کنند و بر بیش از حد استاندارد بودن مصرف سوخت در کشور انگشت می‌گذارند و سخن از تصویب قانون و ترسیم چشم‌انداز برای مدیریت مصرف و همچنین واقعی کردن قیمت حامل‌های سوخت می‌کنند اما وقتی نفت ارزان می‌شود و قیمت حامل‌های سوخت داخل